

سخن سردبیر

سالی دیگر گذشت

باز هم سالی گذشت همراه با افت و خیزهای کاری، خلف وعده مقالات چاپ نشده، ویژه‌نامه‌های خارج از برنامه و همراه با ضمیمه‌ها. سالی توأم با موفقیت برای مرکز پژوهشی میراث مکتوب اما نه چندان که در باب آینه میراث جای سخن دارد و جدای از آن سخن خواهم گفت.

علیرغم موفقیت برای مرکز پژوهشی میراث مکتوب که فصلنامه آینه میراث، آینه تمام‌نمای فعالیت‌های این مرکز پژوهشی است، سالی که بزرگداشت مولوی بود و مرکز فعالانه در داخل و خارج شرکت کرد. فعالیتی که گوشه‌ای از آن منجر به برگزاری مراسم تجلیل از گولپینارلی، مولوی‌شناس مشهور ترک در ایران و متعاقب آن تجلیل از فروزانفر، مولوی‌پژوه ایرانی در ترکیه و هم‌چنین ویژه‌نامه مولوی در شماره پاییز همین سال و قرار انتشار سخنرانی‌های ایران و ترکیه به صورت ضمیمه فصلنامه آینه میراث. اما سالی تلخ و گزنده برای این کمترین - سردبیر - سالی که طوفان روزگار گلستانی را که به خون دل پروریدم، پرپیش کرد و ما را در غم و اندوه ابدی باقی گذاشت، در این سال کاخ آرزوهای - سردبیر - با تصادف و درگذشت فرزندم ویران شد و آن نهالی را که با خون دل پروریده بودیم، زلزله از ریشه بدر آورده و خشکاند. جا دارد در این جا از همه بزرگوارانی که تسلائی جگر سوخته ما بودند، سپاس و امتنان خود و خانواده را تقدیم قدمشان کنم.

پریشانی این سال - سالی که گذشت - بدین جا ختم نشد، سالی توأم با دلهره و

اضطراب برای مدیرمسئول هم بود، چرا که درخواست امتیاز علمی - پژوهشی برای آینه میراث، غباری بر چهره آینه نشست بواسطه گرد و خاک مدیران جدید وزارت علوم در تنظیم بخشنامه مجلات علمی - ترویجی که خبر از دگرگونی حیرت‌انگیزی می‌داد و می‌توانست هرچند برای مدتی کوتاه آینه را به تعطیلی کشاند و تصویر روشن آن را از دیدگان شما بزدايد، آینه‌ای که چهره تک‌تک خوانندگان و مؤلفانش را در هر شماره به شما نشان می‌داد.

در ۱۳۸۱ نگارنده به عنوان سردبیر در فصلنامه آینه میراث شروع به کار کرد تا بهار ۸۲ نوزده (۱۹) شماره از آینه منتشر شده بود و مدیر مسئول از کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور متقاضی مجوز علمی - ترویجی بودند که با پیگیری سردبیر و پس از تغییرات در کمیسیون در زمستان همان سال مجوز علمی - ترویجی به شماره ۳/۲۹۱۰/۸۲ اخذ شد و آینه با مجوز جدید و معیارهای کمیسیون به نشر خود ادامه داد، در سال ۱۳۸۵ مدیر مسئول در صدد اخذ مجوز علمی - پژوهشی برای فصلنامه شد ضمن آنکه در این مدت مجوز توزیع بین‌المللی از وزارت ارشاد نیز اخذ گردید. جالب آنکه جواب کمیسیون، به تصویب آئین‌نامه‌ای موکول شد که خدا می‌داند چگونه تهیه و کی تصویب خواهد شد. تقاضای اخذ مجوز علمی - پژوهشی بار دیگر از طرف مدیر مسئول در مردادماه ۸۶ تکرار شد که این بار با ارسال پیش‌نویس آئین‌نامه‌ای موکول به تصویب آئین‌نامه جدید شد.

برای بار سوم مدیر مسئول در آذرماه متقاضی مجوز علمی - پژوهشی شدند و این بار در تاریخ ۸۶/۱۰/۳۰ طی نامه شماره ۳/۹۶۰۱ پاسخ داده شد و معلوم شد که در ارزیابی بجای علمی - پژوهشی همان امتیاز سابق یعنی علمی - ترویجی تا تاریخ آذرماه ۸۸ موافقت شده است و مواردی را نیز به عنوان ضعف قید کرده بودند که در صورت عدم رفع اشکال می‌توانند همین مجوز مختصر را هم باطل کنند و آنها کدامند؟ به قرار ذیل:

۱. براساس مصوبه ۸۶/۱۰/۲ آئین‌نامه کمیسیون نشریات علمی کشور می‌بایستی اعضاء هیئت تحریریه حداقل استادیار باشند.
- بماند که تعدادی از اعضای تحریریه نه تنها استادیار بلکه دانشیار و استاد و هم چنین از دانشگاه و مؤسسات فرهنگی خارج کشور هستند و کسانی هم که رتبه دانشگاهی ندارند از فضلائى هستند که در موضوع نشریه متخصص هستند.

۲. درجه علمی سردبیر باید دانشیار به بالا باشد و دارای حداقل ۵ مقاله معتبر علمی بین‌المللی ISC متناسب با موضوع نشریه باشد.

در این مورد این کمترین فاقد همه امتیازات ذکر شده بود و بی‌اختیار یاد واقعه‌ای افتادم که چندین سال پیش برایم پیش آمد و آن هم اینکه روزگاری تصمیم گرفتم برای تدریس به یکی از واحدهای مراکز آموزش عالی کشور که ماشاءالله چون قارچ روئیده بودند سری بزنم و ضمن سردرآوردن توی سرها چند واحد درسی که فکر می‌کردم توان تدریس آنها را دارم برعهده بگیرم که با جواب شما بی‌سوادید، اول باید سواد بیاموزید و بعد تدریس کنید مواجه شدم.

خوب طبیعی است در مقام سؤال برای باسواد شدن برآمدم و توصیه حضرات مسؤول که باید بروید و درس بخوانید، سواددار شوید. ناگزیر دست از پا درازتر برای درس خواندن مراجعه کردم که باز همان سخن تکرار شد که شما سواد ندارید تا درس بخوانید اول سواد بیاموزید و بعد برای درس خواندن بیائید. این بار ناگزیر عطای درس دادن و درس خواندن را به خاطر بی‌سوادی به لقایش بخشیدم و کار تصحیح متون تاریخی را که مورد علاقه‌ام بود پیشه کردم که تا کنون ۲۱ عنوان کتاب در ۵۹ مجلد تصحیح و چاپ کرده‌ام و چند سال بعد شدم سردبیر آینه میراث بواسطه سابقه در تصحیح.

حال مدیران جدید وزارت فخریه علوم، با تهیه آیین‌نامه‌ای شرایطی مطرح کرده‌اند که یا مجله باید با علمی - ترویجی بودن خداحافظی کند - چه رسد به علمی - پژوهشی که خیلی لیاقتش بیشتر از دیگر دارندگان چنین مجوزی است - یا برای تبعیت از ضوابط جدید که مروج مدرک‌گرایی در جامعه آفت‌زده دانشگاهی است، امثال اینجانب به کنج عزلت برویم.

خوب طبیعی است این بار هم حقیر و فقیر می‌بایستی عطای سردبیری را به لقای آن بیخشد بار دیگر سراغ تصحیح متون بروم تا کی، کسی دیگر پیدا شود و بی‌سوادی و بی‌مدرکی نگارنده را به رخش بکشد که فاقد صلاحیت هستید تا کار مورد علاقه را بیوسم به کناری نهم و به بازنشستگی برسم که هنوز فرصت نیافتم تا از آن بهره‌ای ببرم. اما پس از این درد دل باید اضافه کنم که متخصصین نسخ خطی و فهرست‌نگاران این گنجینه قدیمی و این میراث مکتوب بجا مانده از پیشینیان متأسفانه هیچ یک مدرک دانشیاری ندارند، و هرکس که بیاید ظاهراً چنین شرایطی را نخواهد داشت، گرچه باید

اذعان کنم که در عرصه تصحیح کم نیستند. هم چنین هنوز رشته دانشگاهی در باب فهرست‌نویسی و تصحیح متون هم نداریم تا دانش‌آموختگان این رشته پس از اخذ مدرک دکترا بتوانند سردبیری را برعهده بگیرند و آنچه نگارنده بواسطه ده سال مسؤولیت گنجینه نسخ خطی کتابخانه ملی با فهرست‌نگاران و پیشکسوتان این مهم آشنائی دارد، فضلائى چون استاد ایرج افشار، استاد سید عبدالله انوار، استاد حائری و غیره هیچ یک مدرک دکتری ندارند اما به ذوق خود این مهم را فرا گرفته‌اند و انصافاً در مرتبه استادی هستند، نه اینکه من بگویم:

مُشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطاری چون من بگوید.

و منصفانه و بدور از هر نوع گزافه‌گوئی حضرات نامبرده، مُشک‌هائی هستند که نیازی به مجیزگوئی این کمترین ندارند.

۳. مدیریت نشریه نمی‌تواند نسبت به انتشار دو شماره در یک نشریه و هم چنین انتشار مقالات به زبانهای مختلف همزمان در یک نشریه اقدام نماید.

متأسفانه این هم از طرف سردبیر رعایت نشده بود چرا که در آئین‌نامه قدیم از چنین ممنوعیت‌هائی نه تنها یاد نشده بود بلکه مجوز انتشار دو شماره در یک نشریه در سال را دربر داشت. ضمن آنکه آینه میراث جزء معدود نشریات ایرانی است که مجوز توزیع بین‌المللی دارد و مورد علاقه استادان و پژوهشگران خارجی نیز هست، از این رو چاپ مقالات همان گروه را به زبان اصلی ایشان به چاپ می‌رساند و این حُسن نیز عیبی بود که ما نمی‌دانستیم.

۴. براساس آئین‌نامه نمی‌توان مقالات ترجمه در نشریات با مجوز علمی - پژوهشی چاپ کرد.

حال این سؤال پیش روست مقاله‌ای را که از آقای فوجی ای موریو - چاپ شده در شماره ۳۶-۳۷ - به خواهش سردبیر نگاشته، آن را براساس آئین‌نامه نمی‌توان به زبان اصلی - زبان دوم - چاپ کرد نه بصورت ترجمه شده، طبیعی که از این به بعد، باید خواهش کنیم که مقالات حتماً به زبان فارسی بنگارند!! و اگر زبان فارسی نمی‌دانند مشکل نگارنده است نه اعضای کمیسیون!!

۵. موارد دیگر را کمابیش می‌توان پذیرفت که همه حُسن بود و نه عیب؛ و اگر نقصی بود هم چون تاریخ دریافت و پذیرش مقاله که به راحتی قابل درج است و جای نگرانی نیست.

پایان سخن آنکه تنی چند از بزرگواران داوطلبانه پذیرفتند که عنوان سردبیری نشریه را یدک بکشند تا آینه همچنان آینه تمام‌نمای فعالیت‌های مرکز و شما مؤلفان و خوانندگان باشد.

سردبیر ضمن استقبال از این پیشنهادهای، اذعان می‌دارد که در پیرانه‌سری و در آستانه ۶۰ سالگی قادر نیست در پی کسب مدرک دانشجویی به بالا باشد. با آرزوی سالی نیک و تندرستی و شادابی همه شما بزرگواران و عزیزان را به خدای یکتا می‌سپارد.

ایدون باد.

جمشید کیان‌فر